

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

گرامی یاد داد نورانی

۰۸ جون ۲۰۲۱

برباد

کدامین واژه را

بر پای تو برباد باید کرد

کدامین مصرع را

بر یاد تو فریاد باید کرد

تو ای دختر!

تو نیلوفر

ترا دو لاله همراز با یک عشق

چون مه و خورشید، زائیدند

و شاعر، گفت

«الماسی» تراشیدند

چکاچاک دلیران، مقدمت را تا دژ کابل

به خون کرکسان تجلیل می کردند

و کابل را چو رود نیل می کردند

پدر؛ با دست خود گهواره هنگامه

می شورید

و مادر؛ از پس آبستن تو

پهنه رازش به صد قندیل می آراست

که راه این است

و پا تا فرق کوه، باید نیاساید

هنوزت دست بر تقدیر می خندید

هنوزت رمز نیلوفر به چهرت

خاطرات خفته را

بیدارتر می کرد

دو لاله ناگهان رفتند

خزان گشته زود آمد

پدر گشتند و مادر رخنه بیداد را می بست

تعهدنامه یک داد را می بست

نمی دانی که بر «مینای» تو،

کی ها آواز خون دادند؟

چه می گفتند و چون دادند؟

چو دستانش به هم پیوستند

و آتش فرق او بشگافت

به خورشیدی رسن بستند

کفن بستند

و آنگاه در ته تالاب خندیدند

رفیقان دروغین

در پس نامش، نوشتند،

«روسی»

و آتشخانه در مرداب، ساکت شد

و تو «نیلوفر» مرداب

و تو یک «برگ»

برنده «برگ»

ترا یک باد، با عشق دروغین

سخت پرپر کرد

و اکلیلی ز خاک و دود، بر سر کرد

نمی دانی

که مرداب این چنین باید

و شاعر نیک می داند

که شعرش راستین باید

نمی دانی؟

و گاهی خوب می دانی

ترا چون «تحفه زرین»

شگردی در کف دستان «جمعی»

بیگمان دیدند

نه یک لحظه که هر دم هر زمان دیدند

ترا بازیچه گک، یا عروسک....

نیک می دانی

به نام تو،

دریپند، بردن و خوردند

دهها دل در درون سینه آتشگران مُردند

و آخر قفل بازویت شکست

و بر کرانت

گندها، مرداب ره خشکید

و تو نیلوفر یک دشت

و من با مصرع های سرخ

خشکیدن مرداب را

آلاله می گویم.